

ای بشر ز پا گسل بند بندگی	کی بود تورا سزا این شرمندگی
تو خلیفه الهی در روی زمین	لایق مقام خود سر کن زندگی
ز مهر و مه بگذریم اگر به یادآوریم	رسالت عهد خود با خدا
اگر به حق رو کنیم عیان به حق سو کنیم	مظاهر عدل و لطف و صفا
ای بشر بر در صاحبان زور بندگی مکن	
گرتو آزاده ای زیر بار ظلم زندگی مکن	
تو مظهر عشق و حقیقتی	لطیفه ای از نقش خلقتی
به دیده ی دل قدر خود شناس	که گوهر پر ارج و قیمتی
ای بشر به خود نگر	که از صفا سرشته ای
گر که ره به حق بری	نکو تر از فرشته ای
بندگی بر کسی جز خدا مکن	گوهر جان خود بی بها مکن
اسیر پنجه ی ستم تا به کی؟	چو ماکیان به دام غم تا به کی؟
زین قفس پرگشا	تا که سرکنی نغمه ی حیات
بشو از رهبرانقلاب ما	مژده ی نجات